

آینده پژوهی رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان در پرتوی الگوی تحلیل لایه ای علت ها

دکتر رضا پیش قدم*

دکتر آیدا فیروزیان پور اصفهانی**

سحر طباطبایی فارانی***

چکیده

پژوهش حاضر در صدد آینده پژوهی رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان بر اساس الگوی تحلیل لایه ای علت ها بر آمده است. به منظور انجام این مطالعه توصیفی، جامعه پژوهش متشکل از استادان متخصص و صاحب نظر از رشته های زبان شناسی، زبان و ادبیات فارسی و آموزش زبان انگلیسی و نیز دانش آموختگان و دانشجویان رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان بود که از میان آن ها ۴۳ نفر با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها، مصاحبه های نیمه ساختاریافته به وسیله ۶ سؤال طبقه بندی شده و گفت و گوهای غیر رسمی با شرکت کنندگان در تحقیق بوده است. مطالعه انجام شده نشان می دهد که بر پیکره فعلی رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان ایراداتی وارد است و تجدید نظر در برنامه های آموزشی این رشته تحصیلی امری ضروری به نظر می رسد. در پژوهش حاضر، پس از بررسی موشکافانه مشکلات مطرح شده از سوی متخصصان و دست اندر کاران این رشته تحصیلی، نیازهای آموزشی آن استخراج شده است که این نیازها باید مبنای برنامه ریزی چنین دوره ای قرار گیرد. انتظار

* استاد زبان انگلیسی و استاد پیوسته علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)
(pishghadam@um.ac.ir)

** استادیار زبان شناسی دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)

*** دانشجوی دکترای آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۹

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۹۳، ص ۹۶-۱۲۰

می‌رود گذراندن دوره کارشناسی ارشد این رشته با وجود اطلاعات پایه‌ای ارائه شده در این پژوهش که با اصول علمی صحیح تدوین گردیده است، توانایی‌های لازم را در دانشجویان این رشته ایجاد نماید، به طوری که قادر به پاسخ‌گویی انتظارات ذی‌نفعان باشند و دست‌اندرکاران این رشته بتوانند از راهکارهای ارائه شده در این تحقیق در جهت ارتقای کیفی و کمی این رشته بهره‌برند.

کلیدواژه‌ها

آینده پژوهی، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، الگوی تحلیل لایه‌ای علت‌ها، لایه لیتانی، لایه نظام‌های علی

مقدمه

علاقه وافر انسان به اطلاع از آینده، ریشه در گذشته‌های دور دارد. این علاقه به صورت یک نیاز، به طور ذاتی در وجود هر انسانی نهفته است و انسان‌ها تلاش می‌کنند تا بتوانند با اطلاع از آینده، جهت زندگی خود را تا حدودی مشخص نمایند. از اواسط قرن بیستم، مقوله آینده‌نگری و آینده‌پژوهی به تدریج به شکل دانشی استراتژیک درآمد. امروز به جرئت می‌توان گفت مطالعه تغییرات آینده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شده است (محمودی، ۱۳۸۵). به دلیل تنوع موضوعات مطرح در آینده‌پژوهی، بهتر است به جای رشته‌های مستقل، آن را حوزه‌ای چندرشته‌ای یا فرارشته‌ای (نجاریان و دیگران، ۱۳۹۱) بنامیم. با این همه، هر نامی که برای آن برگزینیم، آینده‌پژوهی امروزه نه تنها وجود دارد، بلکه در شکل‌گیری آینده بشر نیز نقشی مهم ایفا می‌کند. حوزه‌های موضوعی بالقوه در آینده‌پژوهی، از نظر تعداد، با شمار پدیده‌های متنوع موجود در جهان برابری می‌کنند. بنابراین، در تعریف آینده‌پژوهی می‌توان گفت آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که می‌توان در آن با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها پرداخت. آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد (بل، ۲۰۰۳).

در میان حوزه‌های متنوعی که در قلمروی بررسی‌های این علم قرار می‌گیرد، یکی از حوزه‌هایی که ممکن است آینده‌پژوهی به آن مربوط باشد، رشته «آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان» (آزفا) است. همان‌طور که می‌دانیم، در پی تغییر و تحولات عمده در

مراودات جهانی و افزایش تعداد مشتاقان به یادگیری زبان فارسی، به نظر می‌رسد توجه به آموزش زبان فارسی در قالب یک زبان خارجی و رشته‌ای که مسئولیت انجام این مهم را بر عهده دارد، از ضروریات امروز جامعه دانشگاهی ما قلمداد می‌شود. در سال‌های اخیر، این امر تا حدی تحقق یافته و تلاش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. از جمله بارزترین و مهم‌ترین تلاش‌هایی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، پایه‌گذاری رشته تحصیلی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است که تأسیس این رشته را می‌توان یک گام بزرگ در جهت گسترش زبان فارسی در سراسر جهان در نظر گرفت. این رشته در مقایسه با بسیاری از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی، رشته‌ای نوپاست؛ در نتیجه به منظور ارتقای سطح کیفی، این رشته نیازمند مطالعات و بررسی‌های جدی و چشمگیری است. بنابراین، بجا و شایسته خواهد بود که برای بررسی موشکافانه این رشته تحصیلی، آسیب‌های پیش روی آن را در نظر بگیریم و درصدد رفع آن‌ها برآییم و از این طریق کوشش نماییم که جایگاه فعلی آن را با توجه به افق پیش روی آن بهبود بخشیم تا به اهداف این رشته در آینده دست یابیم. بنابراین، در این مطالعه به آینده‌پژوهی رشته آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان براساس الگوی تحلیل لایه‌ای علت‌ها می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

همان‌طور که می‌دانیم برای انجام هر چه بهتر مطالعات آینده، روش‌های گوناگونی پیشنهاد شده است که برای مثال می‌توان به مدل‌های زیر اشاره نمود:

دیدبانی آینده؛

سناریوپردازی؛

چشم‌اندازسازی.

در این میان، یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که در مطالعات گوناگون نیز به کار رفته است، الگوی تحلیل لایه‌ای علت‌ها است. از این الگو می‌توان در علوم مختلف بهره گرفت. وجود مقالات و کارهای پژوهشی متعددی که با بهره‌گیری از این رویکرد به انجام رسیده است، مبین کاربردی بودن این روش پژوهشی است که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های انجام گرفته آریل (۲۰۱۰) در زمینه علوم زیست‌شناسی و جنگل‌بانی، حسینی مقدم (۱۳۹۰) در زمینه علوم سیاسی، هافمن (۲۰۱۲) در رابطه با آینده کشور چین، کانوی (۲۰۱۲) در

بررسی روابط میان اعضای هیئت علمی و کارکنان اجرایی و مدیریتی دانشگاه‌ها و نیز فام (۲۰۰۶، ۲۰۱۰) در زمینه آموزش اشاره کرد.

نگاهی به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

تعریف رشته

آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی کاربردی است که به مطالعه علمی زبان فارسی و شیوه علمی آموزش این زبان به ویژه به خارجی‌زبانان می‌پردازد. در این رشته، زبان فارسی از جنبه‌های مختلف ساختاری، اجتماعی، فرهنگی، ادبی و آموزشی به طور دقیق بررسی می‌شود.

در نقشه جامع علمی کشور، ۸ هدف جزء اهداف کلان نظام علم و فناوری کشور در نظر گرفته شده است. یکی از این اهداف کلان، ارتقای جایگاه زبان فارسی در بین زبان‌های بین‌المللی (سند نقشه جامع علمی کشور، ص ۷، بند ۶) است. در این نقشه، اولویت‌های علم و فناوری کشور براساس میزان اهمیت و اولویت در سه سطح الف، ب و ج دسته‌بندی می‌شود که ناظر بر نحوه و میزان تخصیص منابع، اعم از مالی، انسانی و توجه مدیران و مسئولان است. یکی از اولویت‌های سطح الف در گروه علوم انسانی و معارف اسلامی، زبان فارسی در مقام زبان علم است (سند نقشه جامع علمی کشور، ص ۱۳ و ۱۴) که این نکته حکایت از اهمیت بنیادی آموزش علمی زبان فارسی دارد (صحرايي، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

رشته «آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان» در سال ۱۳۷۲ تأسیس شد و زیر مجموعه رشته زبان‌شناسی همگانی قرار گرفت و در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید که در پی آن، در تعدادی از دانشگاه‌های مهم دولتی ایران در این شاخه به جذب دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد پرداخته شد. تأسیس این شاخه علمی را می‌توان گامی بزرگ برای نیل به وضعیت مطلوب آموزش زبان فارسی تلقی کرد.

هدف اصلی از تأسیس دوره کارشناسی ارشد «آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان»، تربیت متخصصان برای خدمت در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی و کاربردی است. فارغ‌التحصیلان این دوره می‌توانند در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور و دیگر سازمان‌ها در زمینه‌های زیر خدمت کنند:

الف) آموزش علمی زبان فارسی به خارجی‌زبانان؛

- ب) کارشناسی تخصصی کتاب‌های آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی به ویژه در دانشگاه‌ها در زمینه شیوه کاربرد صحیح و علمی زبان فارسی؛
- ج) کارشناسی تخصصی برای شیوه صحیح آموزش خط فارسی در امور سواد آموزی؛
- د) پژوهش در برنامه‌ریزی‌های زبانی در ایران که کشوری چندزبانه است؛
- ه) کارشناسی تخصصی فرهنگ‌نویسی با اهداف ویژه؛
- و) آموزش دروس مرتبط با زبان فارسی در رشته‌های ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، زبان‌های خارجی و دیگر رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی؛
- ز) کارشناسی تخصصی شیوه کاربرد زبان فارسی در رسانه‌های همگانی؛
- ح) کارشناسی پژوهشی در زمینه‌های مربوط به آموزش زبان فارسی، دستور زبان فارسی و فرهنگستان زبان فارسی.
- کارکردهای فارغ‌التحصیلان رشته آموزش زبان فارسی. «برای فارغ‌التحصیلان این رشته، کارکردهای زیر را می‌توان منظور داشت:
۱. آموزشگر زبان فارسی در دانشگاه‌ها، مراکز تربیت معلم و مدارس؛
 ۲. تولید کننده مواد آموزشی و کتاب کار برای آموزش زبان فارسی؛
 ۳. مشاور و راهنمای آموزش زبان فارسی در مدارس و دانشگاه‌ها؛
 ۴. برنامه‌ریز درسی زبان فارسی در ستادهای برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش؛
 ۵. پژوهشگر زبان فارسی در مراکز پژوهشی و فرهنگستان زبان فارسی؛
 ۶. توسعه‌دهنده فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه آموزش زبان فارسی» (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).
 ۷. آموزش زبان فارسی در مراکز آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان مانند مؤسسات بنیاد سعدی و دهخدا.

روش تحقیق

شرکت کنندگان

در این پژوهش که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفت، از ۵ گروه افراد استفاده شد:

الف) ۱۵ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان از دانشگاه‌های فردوسی مشهد، علامه طباطبایی و بین‌المللی امام رضا (ع)

(۸ زن و ۷ مرد در بازه سنی ۲۳ تا ۳۵)؛

(ب) ۲۰ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان از دانشگاه فردوسی مشهد و بین المللی امام رضا (ع) (۱۱ زن و ۹ مرد در بازه سنی ۲۴ تا ۴۰)؛
(ج) ۳ استاد گروه زبان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (۲ زن دانشیار و ۱ مرد استاد)؛
(د) ۳ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (۳ مرد شامل ۲ استاد و ۱ استادیار)؛

(ه) ۲ استاد گروه زبان و ادبیات انگلیسی (۲ مرد استاد).

به دلیل دستیابی به نتایج مطلوب، از انتخاب افراد بیشتر صرف نظر شد و نتیجه جدید دیگری به دست نیامد (پیش قدم و مرادی مقدم، ۱۳۹۲). همچنین، از افراد مذکور خواسته شد تا در مصاحبه‌ای که متشکل از ۶ پرسش طراحی شده از سوی محققان بود، شرکت نمایند؛ سپس پاسخ‌های آنان به هر یک از پرسش‌های مطرح شده به وسیله دستگاه ضبط صوت ثبت و بر روی کاغذ پیاده شد.

شیوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

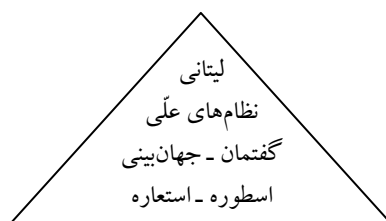
جهت انجام این پژوهش، پرسش‌نامه‌ای شامل ۶ سؤال تشریحی تهیه گردید. از این پرسش‌نامه تنها به جهت نظرسنجی از دست‌اندرکاران و دانشجویان این رشته استفاده شد. این پرسش‌ها عبارت بود از:

۱. به نظر شما ضرورت وجود رشته آرفا چیست؟
۲. از نظر شما چه زیرساخت‌هایی لازم است که این رشته به طور موفقیت‌آمیز تدریس و به کار گرفته شود؟
۳. مشکلات پیش روی آرفا را چه می‌دانید؟ راهکارهای پیشنهادی شما برای برطرف نمودن این مشکلات چیست؟
۴. مواد درسی موجود برای آرفا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا لزوم به کارگیری تخصص افرادی که در زمینه‌ها و گرایش‌های مربوط به آموزش از جمله آموزش زبان انگلیسی تحصیل کرده باشند، برای شما روشن است؟
۵. آینده شغلی دانش‌آموختگان این رشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چه مشکلاتی در این زمینه وجود دارد؟ راهکارهای پیشنهادی شما برای اشتغال‌زایی در این زمینه چیست؟
۶. آیا جایگاه این رشته در واحدهای آکادمیک درست است؟ آیا کار کردن به صورت مطلق با زبان‌شناسان و متخصصان ادبیات فارسی کفایت می‌کند؟

مصاحبه با استادان در دفتر هر یک از آن‌ها و مصاحبه با دانشجویان و دانش‌آموختگان در اتاق پژوهشی محققان انجام گرفت. زمان مصاحبه‌ها که به صورت غیررسمی انجام گرفت، به طور متوسط ۲۰ دقیقه و ظرف مدت ۳ ماه به طول انجامید. از استادان، دانش‌آموختگان و دانشجویان خواسته شد نظر کارشناسی و تخصصی خویش را در رابطه با هر یک از سؤالات طرح شده از سوی محققان، اظهار نمایند. پس از جمع‌آوری اطلاعات از شرکت‌کنندگان در مصاحبه، محققان به تحلیل کیفی اطلاعات جمع‌آوری شده پرداختند و نظرات استادان را به صورت جمع‌بندی ارائه نمودند.

الگوی تحلیل

«تحلیل لایه‌ای علت‌ها» یکی از روش‌های نوپا در آینده‌پژوهی است که به وسیله یک آینده‌پژوه مسلمان، پرفسور سهیل عنایت‌الله^۱ (۱۹۹۸، ۲۰۰۴) پیشنهاد شده است. این روش به دنبال بررسی و تحلیل چگونگی گذشته، حال و آینده است، اما هدف آن به هیچ عنوان پیش‌بینی آینده نیست. این نوع تحلیل به دنبال یافتن ریشه مشکلات موجود در زمان‌های گذشته و حال است تا از رهگذر آن جایگزینی برای آینده ارائه دهد (فام، ۲۰۱۰: ۲۲). اهمیت این روش در مقایسه با سایر روش‌های آینده‌پژوهی در این است که گرچه رویکردی آینده‌پژوهانه دارد، به مهم‌ترین مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌پردازد و ضمن شناسایی ژرف‌ترین ریشه‌های مشکلات، سناریوها و راهکارهای لازم برای غلبه بر آن‌ها را ارائه می‌دهد. به بیان دیگر، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، چنان که از عنوانش برمی‌آید، با کشف ریشه‌های یک مسئله در لایه‌های مختلف عمودی و افقی سروکار دارد. این روش برای بررسی موضوعات و مطالعه آینده، چهار سطح مختلف را در نظر می‌گیرد که به صورت عمودی روی هم چیده شده‌اند (شکل ۱).



شکل ۱ سطوح چهارگانه تحلیل در مدل تحلیل لایه‌ای علت‌ها

این لایه‌ها عبارت است از:

لایه لیتانی (عنوان لایه صحیح است) یا مسئله عینی^۱: لایه لیتانی نخستین سطح تحلیل در روش تحلیل لایه‌ای علت‌هاست که در این سطح، لایه ظاهری موضوع مورد نظر مطالعه و بررسی می‌شود.

لایه نظام‌های علی^۲: نظام‌های علی به مجموعه نظام‌هایی گفته می‌شود که بالقوه یا بالفعل سبب ایجاد مسئله است. این نظام‌ها گستره وسیعی دارد و از نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تا نظام‌های قانونی، مدیریتی و ارتباطی را دربرمی‌گیرد. در روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها با عبور از لایه اول، به سرعت وارد لایه دوم یعنی لایه نظام‌های علی می‌شوند و به واکاوی ریشه‌های مسئله مورد نظر در این لایه‌ها می‌پردازند. این مرحله نمایانگر شهادی بر مدعای ارائه شده در لایه قبل است.

لایه گفتمان - جهان‌بینی^۳: در این لایه به جست‌وجوی ریشه‌های مسئله در گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌های موجود و مسلط پرداخته می‌شود، برای مثال می‌توان پرسید که چه گفتمان‌ها یا نگرش‌هایی در میان مسئولان و مردم، سبب ایجاد مشکل مورد بررسی می‌شود؟ در این لایه عقاید بنیادین افراد آشکار می‌گردد؛ به عبارت دیگر، جهان‌بینی به یک مفهوم واحد با یک راه‌حل مشخص اشاره ندارد، بلکه در این لایه افراد با دیدگاه‌های متفاوت، راه‌حل‌های متفاوتی را برای مشکلات ارائه می‌دهند.

لایه اسطوره - استعاره^۴: در یک جامعه به طور متعارف کمتر کسی با اسطوره‌ها (ایده‌آل‌ها، الگوها) و استعاره‌ها (تمثیل‌های ذهنی از موضوعات مختلف) سروکار دارد. این کار به طور معمول در حوزه عمل هنرمندان و اندیشمندان خاص است. در این لایه که عمیق‌ترین و خلاقانه‌ترین سطح کار است، به دنبال استعاره‌های پنهان در متن هستیم؛ به بیان دیگر، در این سطح توجه ما به استعارات مورد استفاده درباره آینده معطوف می‌گردد و سعی می‌شود اعتبار این استعاره‌ها کندوکاو و ارزیابی شود. از طریق آشنایی با استعاره‌ها و ضرب‌المثل‌هایی که افراد در یک زمینه خاص استفاده می‌کنند، می‌توان به طرز تفکر آن‌ها و ریشه‌های مسائل پی‌برد (فام، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰).

بنابراین، همان‌طور که گفته شد، هدف از تحلیل لایه‌ای علت‌ها که یکی از روش‌های مهم در آینده‌پژوهی انتقادی تلقی می‌شود، نگاهی عمیق‌تر به موضوعات آینده

1. litany
2. systematic causes
3. discourse/worldview
4. myth/metaphor

است. در این روش، تحلیل گران و آینده پژوهان ترغیب می شوند تا به جای سطحی نگری، عمیق تر و ریشه ای تر به مسائل و موضوعات آینده نگاه کنند و در کنار بررسی ظاهری موضوعات، ریشه ها و دلایل اصلی بروز آنها را نیز مطالعه نمایند.

بحث و بررسی

در این مطالعه با استفاده از روش تحلیل لایه ای علت ها سعی شده است که آسیب های پیش روی رشته تحصیلی آرفا تحلیل و بررسی شود. به این منظور مسائل مربوط به این رشته را در الگوی چهارگانه تحلیل لایه ای علت ها قرار می دهیم و به بررسی هر لایه به طور مجزا می پردازیم.

مسئله عینی

شواهد گوناگون حاکی از آن است که دانش آموختگان و دانشجویان رشته آموزش زبان فارسی به خوبی به طور عملی قادر به آموزش این زبان نیستند و در آموزش مهارت های چهارگانه این زبان با مشکلاتی جدی مواجه اند (سبحانی، ۱۳۸۷) و این در حالی است که این افراد حداقل به مدت ۲ سال تحصیلی مشغول یادگیری چگونگی آموزش این زبان به خارجی زبانان در دانشگاه ها بودند. در واقع، نتایج حاصل از آموزش این متخصصان حاکی از آن است که این افراد در طول مدت تحصیلی خود به طور عملی درگیر چگونگی آموزش مهارت های چهارگانه این زبان نبوده اند و شاید بتوان گفت که نتایج نارضایت بخش حاصل از عملکرد این افراد، نشان دهنده آن است که تربیت متخصص آموزش این زبان در دانشگاه ها، پاسخ گوی نیازهای واقعی کاربران خارجی زبان فارسی نیست. این رشته در مقایسه با بسیاری از رشته های تحصیلی دانشگاهی، رشته ای نوپاست و مطالعات و بررسی های بسیار برای ارتقای سطح کیفی آن یک ضرورت مهم تلقی می شود. بنابراین، شایسته است که آینده پیش روی این رشته را در نظر بگیریم و از این طریق کوشش نماییم که جایگاه فعلی آن را با توجه به افق پیش روی آن بهبود بخشیم تا به اهداف این رشته در آینده نائل شویم و بجاست که برای بررسی موشکافانه این رشته تحصیلی، آسیب های پیش روی آن را در نظر بگیریم و درصدد رفع آنها برآیم. بنابراین در این بخش به تفکیک به بررسی مشکلات و چالش های مطرح شده از سوی استادان، دانش آموختگان و دانشجویان این رشته تحصیلی می پردازیم.

مبهم بودن جایگاه رشته و نبود ارتباط مؤثر میان مدعیان آن

در ارتباط با رشته آزفا، اساسی‌ترین و ریشه‌دارترین مشکلی که خود سبب ایجاد مشکلات دیگری می‌شود، از نظر اغلب متخصصان و دست‌اندرکاران این رشته، جایگاه نامناسب آن در دانشگاه‌های کشور است؛ به طوری که متخصصان اغلب رشته‌ها به‌جز رشته زبان‌شناسی اعتقاد دارند که این رشته نباید صرفاً در انحصار گروه زبان‌شناسی قرار گیرد. به بیان دیگر، اولین موردی که می‌توان در قالب عامل اصلی ایجاد سردرگمی در ارتباط با این رشته به آن پرداخت، این است که متخصصان و دست‌اندرکاران این رشته دانشگاهی هنوز به اتفاق نظر مشخصی در زمینه جایگاه درست و واقعی این رشته دست نیافته‌اند. اگر چه پیکره اصلی رشته آزفا از زبان‌شناسی گرفته شده است، گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی نیز از سوی دیگر مدعی پرچم‌داری این رشته است و به تازگی این رشته در قالب گرایشی در مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی نیز به تصویب رسیده است. به بیان دیگر، برخی معتقدند که این رشته باید به طور انحصاری زیر نظر زبان‌شناسان باشد، زیرا بیشتر محتوای درسی خود را از رشته زبان‌شناسی می‌گیرد، و در مقابل برخی دیگر نیز بر این باورند از آنجایی که هدف این رشته به طور مشخص آموزش زبان فارسی است، این رشته با زبان فارسی مرتبط است و در نتیجه با رشته زبان و ادبیات فارسی قرابت محتوایی بیشتری دارد؛ در واقع می‌توان گفت این رشته دچار نوعی «انحصارطلبی» از سوی رشته‌های زبان‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی شده است و هر کدام از این دو رشته داعیه تملک این رشته را دارد.

برای نمونه، یکی از استادان گروه زبان و ادبیات فارسی فعال در حوزه آزفا در این رابطه اعتقاد دارد: «مشکل اصلی و عمده آزفا از یک بعد مرتبط با دیدگاه محدودنگری و جزئی‌نگری و نداشتن دیدگاهی کل‌نگر نسبت به این رشته است». این استاد همچنین اعتقاد دارد «کسانی که برنامه‌ریز و تصمیم‌گیرنده برای این رشته هستند، خودشان باید حتماً سابقه تدریس داشته باشند و این در حالی است که افرادی در مورد این رشته نظریه و دیدگاه مطرح می‌کنند که خودشان حتی یک خارجی ندیده‌اند و برای مثال براساس رشته آموزش زبان انگلیسی و ذهنیتی که نسبت به رشته زبان انگلیسی دارند، در مورد این رشته قضاوت می‌کنند، یعنی نه زیرساخت‌های زبان فارسی را می‌دانند و نه تجربه واقعی آموزش این زبان را دارند».

این استاد در ارتباط با جایگاه این رشته در گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها ادامه می‌دهد: «در مورد مبانی رشته آزفا من به یک محور اساسی اعتقاد دارم که آن محور

اساسی رشته زبان و ادبیات فارسی است و متمم‌ها و مکمل‌هایی برای این رشته که عبارت است از بخش زبان‌شناسی کاربردی، بخش مدیریت آموزش زبان‌های خارجی و بخش عمومی آموزش زبان‌های خارجی و در یک لایه دیگر رشته‌هایی مثل روان‌شناسی و علوم تربیتی برای این رشته مهم است». این استاد در جواب به چرایی این اعتقاد ادامه می‌دهد: «علت اینکه رشته زبان و ادبیات فارسی را محور تلقی می‌کنم این است که اعتقاد دارم متخصص زبان و ادبیات فارسی به یک سطح تخصصی از زبان فارسی رسیده؛ یعنی اگر ما این‌گونه تصور کنیم که دانشجوی زبان انگلیسی بعد از ۴، ۶ یا ۱۰ سال به یک زبان دیگر تسلط می‌یابد و به نسبت آن مقاطع، در مهارت‌های مختلف شنیدن، گفتن، خواندن، نوشتن، افزایش کلمات و نگاه تخصصی به دستور زبان، نگرش تخصصی او بیشتر می‌شود و بالاتر می‌رود، دانشجوی زبان و ادبیات فارسی نیز چنین اتفاقی برایش رخ می‌دهد یا باید رخ دهد». بنابراین، همان‌طور که مشخص است این استاد اعتقاد دارد که رشته آرفا باید به صورت بین‌رشته‌ای اما با محوریت رشته زبان و ادبیات فارسی تعریف شود.

در مقابل استادی از گروه زبان‌شناسی می‌گوید: «من آرفا را میان‌رشته‌ای نمی‌بینم و این رشته را یکی از زیرشاخه‌های حوزه زبان‌شناسی می‌دانم. شاید در فضای کار در حال حاضر این شرایط ایجاد شده که تصور می‌شود یک کار مشترک با ادبیاتی‌ها باید صورت گیرد، ولی درسی که (دانشجویان آرفا) می‌خوانند و تخصصی که بچه‌ها می‌گیرند، در همه این‌ها از نظریه‌های زبان‌شناسی الهام گرفته و استفاده می‌شود. ولی منکر این هم نیستم هر چه بچه‌ها بیشتر با ادبیات و زبان فارسی آشنا باشند، در این حوزه موفق‌تر عمل خواهند کرد».

در این راستا، زبان‌شناس دیگری اعتقاد دارد: «رشته آرفا و زبان‌شناسی به صورت دو رشته خواهر در کنار هم قرار دارد و خواهد داشت. نه اینکه بگویم آرفا مشتق از زبان‌شناسی است؛ چون این دو رشته با هم، هم‌پوشی‌های زیادی دارد، (آرفا) از زبان‌شناسی جدا نیست. ما امیدواریم که این (آرفا) در کنار زبان‌شناسی وجود داشته باشد. آرفا رشته مستقلی است که خواهر زبان‌شناسی است».

استاد دیگری نیز از گروه زبان‌شناسی اعتقاد دارد که این رشته هم‌ارز با رشته زبان‌شناسی است ولی به خاطر ماهیتی که دارد از رشته‌های دیگری چون آموزش زبان، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حوزه ادبیات فارسی و غیره تأثیر می‌گیرد؛ اما اصل و شالوده‌اش با مباحث زبان‌شناسی پیش می‌رود.

یکی از استادان رشته آموزش زبان انگلیسی در ارتباط با تعلق این رشته به گروه

زبان‌شناسی اظهار می‌دارد: «صاحب‌نظران رشته زبان‌شناسی یا به عمد یا به سهو نمی‌خواهند در آزفا از تخصص سایر رشته‌ها استفاده کنند». این استاد همچنین اعتقاد دارد: «جایگاه این رشته در دانشگاه‌ها درست تعریف نشده است». این استاد اظهار می‌دارد «به نظر من گروه زبان‌شناسی ادعا می‌کند که رشته آزفا متعلق به گروه زبان‌شناسی است، آزفا تولید می‌کند. بعد در دانشگاه فردوسی مشهد مؤسسه‌ای باز می‌شود که ادبیات فارسی آن را اداره می‌کند. این یعنی بدبختی، این یعنی جناح‌بندی. حالت موجود یک آشوب و بی‌نظمی است».

برای بیان نمونه‌ای از این آشوب می‌توان به این تناقض جالب توجه اشاره کرد که این رشته در محیط‌های آکادمی و دانشگاهی کشور زیرمجموعه گروه زبان‌شناسی است، اما دپارتمان آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در دانشگاه فردوسی مشهد، با سرپرستی و نظارت گروه و استادان زبان و ادبیات فارسی اداره می‌شود و این مسئله خود به طور طبیعی موجبات سردرگمی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این رشته را فراهم آورده است. یکی از استادان گروه زبان‌شناسی چنین اقرار می‌کند: «کسانی که در مرکز آموزش زبان فارسی فعالیت می‌کنند بیشترشان ادبیاتی هستند و یک تعداد از بچه‌های ما هم آنجا کار می‌کنند، ولی استادها مان نیستند. فقط دانشجویان هستند، فارغ‌التحصیلان آزفا هستند که خودشان رفتند و درخواست دادند. نسبت ادبیاتی‌ها به آزفاها را نمی‌دانم اما به نظر می‌رسد ادبیاتی‌ها غالب هستند». همین استاد در ادامه به آثار سوء این بی‌نظمی چنین اشاره می‌کند: «چون بچه‌های ما می‌روند زیردست گروه آموزش زبان فارسی، از تخصص بچه‌های ما درست و به طور شایسته استفاده نمی‌شود؛ در نتیجه این خودش مشکلاتی را ایجاد می‌کند».

بنابراین، همان‌طور که مشاهده شد، یکی از مهم‌ترین و بدیهی‌ترین مشکلاتی که برای این رشته مطرح می‌شود، وجود چالش در سطح تصمیم‌گیرندگان این رشته از جمله بین‌زبان‌شناسان از یک سو و ادبا از سوی دیگر و اخیراً نیز رشته‌های دیگری چون آموزش زبان انگلیسی، مدیریت آموزش و غیره و نیز عدم برقراری ارتباط بین این گروه‌های آموزشی است. در واقع، عمده‌ترین مشکلی که دانشجویان آزفا درگیر آن هستند و با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، وجود نزاع‌ها و درگیری‌های جناحی بین دو گروه زبان‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی در ارتباط با جایگاه این رشته است که این مسئله عامل اصلی سردرگمی دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته قلمداد می‌شود و همین نکته سبب شده است که زیر بنای درستی برای پایه‌ریزی و پیشبرد اهداف این رشته تحصیلی وجود نداشته باشد.

نداشتن دوره دکتری تخصصی

یکی دیگر از چالش‌های مطرح دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته در ارتباط با آرفا این است که فاقد دوره تحصیلات تکمیلی در مقطع دکتری است و استادان و دست‌اندرکاران این رشته به طور عمده از گروه زبان‌شناسی هستند. این فقدان طبیعتاً پیامدهایی را با خود به دنبال خواهد داشت؛ یکی از این پیامدها این است که کمیت و کیفیت پژوهش‌های مرتبط با این رشته تا حد زیادی کاهش می‌یابد که شرایط موجود و نبود پژوهش‌های چشمگیر و قابل توجه در این زمینه مؤید آن است. پیامد دیگری که ناشی از این فقدان است، این است که امکان استخدام آکادمیک دانش‌آموختگان این رشته به شکل عضو هیئت علمی در دانشگاه‌ها تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد.

سبحانی (۱۳۸۷: ۱۰۵) بر این اعتقاد است که «عدم راه‌اندازی رشته آموزش زبان فارسی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری سبب شده است که کمیت و کیفیت پژوهش‌های تعلیم و تربیتی درباره آموزش زبان فارسی نازل باشد تا جایی که امروزه به طور کلی تحقیقات قابل توجهی در این حوزه انجام نشده است». البته، گفتنی است که این رشته در مقطع کارشناسی ارشد از سال ۱۳۷۲ در دانشگاه‌های کشور وجود داشته است و شاید سبحانی از وجود این رشته ناآگاه بوده و یا شاید منظور او رشته آموزش زبان فارسی به طور کلی بوده است.

بدیهی است که اگر این رشته در دوره دکتری توسعه یابد و تربیت متخصصان این رشته تحصیلی در مقطع دکتری امکان‌پذیر باشد، نیروهای متخصص وارد سامانه آموزش زبان فارسی خواهند شد و بستر مناسب برای پژوهش در این حوزه فراهم می‌گردد؛ در نتیجه به تدریج و در طول زمان استقلال کامل این رشته به دست می‌آید و به وسیله دانش‌آموختگان همین رشته اداره می‌شود.

عنوان رشته در مدرک فارغ‌التحصیلی

یکی دیگر از مشکلاتی که در ارتباط با فارغ‌التحصیلان این رشته تحصیلی مطرح می‌شود و بسیاری از آنان از این مشکل رنج می‌برند، این است که در مدرک فارغ‌التحصیلی این افراد صرفاً عنوان «آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان» لحاظ می‌شود و این مسئله پیامدهای ناخوشایندی را برای آنان در پی خواهد داشت. از جمله پیامدهای ناخوشایند آن این است که از آنجایی که بخش قابل توجهی از داوطلبان و فارغ‌التحصیلان این رشته دبیر دروس زبان انگلیسی در دبیرستان‌ها هستند، پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد آرفا، ناچارند که

از ۲۴ ساعت موظفی تدریس خود، ۱۲ ساعت ادبیات فارسی و ۱۲ ساعت باقی مانده را زبان انگلیسی تدریس نمایند و این در صورتی است که تا قبل از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در این رشته، آن‌ها ۲۴ واحد موظفی خود را صرفاً با تدریس زبان انگلیسی که تخصص اصلی آن‌هاست، پرمی کردند. یکی از دانش‌آموختگان این رشته در این ارتباط می‌گوید: «من لیسانس زبان انگلیسی بودم و درس زبان انگلیسی اول، دوم و سوم دبیرستان را در مدرسه تدریس می‌کردم. با این امید کارشناسی ارشد این رشته را خواندم تا پایه حقوقی‌ام افزایش یابد، اما متأسفانه شرایط بهتر که نشد هیچ، بدتر هم شد. دیگر الان در مدرسه به جای اینکه من بتوانم واحدهای موظفی خودم را با تدریس زبان انگلیسی پر کنم، مرا وادار کرده‌اند که زبان و ادبیات فارسی تدریس کنم و این در صورتی است که آنچه من در آزفا خوانده‌ام به هیچ وجه ادبیات فارسی نبوده است. اما اگر در مدرک من این رشته گرایشی از زبان‌شناسی تعریف می‌شد، قطعاً با این مشکلات روبه‌رو نمی‌شدم».

استادی از گروه زبان‌شناسی در این مورد می‌گوید: «در مدرک بچه‌های آزفا «آموزش زبان فارسی» لحاظ می‌شود ولی دارند کارهایی می‌کنند که در مدرکشان زبان‌شناسی بخورد که بعد ایرادی گرفته نشود؛ برای مثال بگویند زبان‌شناسی با گرایش آزفا که زیر سؤال نروند که اگر شما آموزش زبان فارسی هستید پس چرا انگلیسی درس می‌دهید».

علاوه بر این، افراد دیگری که خارج از وزارت آموزش و پرورش و حتی در دانشگاه‌ها مشغول به کار هستند از این مسئله شکوه دارند و می‌گویند به دلیل اینکه این رشته برای بسیاری از سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی ناشناخته و مهجور است، فارغ‌التحصیلان این رشته در قالب کارشناسی ارشد پذیرفته نمی‌شوند و در این مؤسسات به آن‌ها اذعان می‌دارند که صرفاً در صورتی مدرک کارشناسی ارشدشان پذیرفته است که در مدرکشان عنوان «زبان‌شناسی» لحاظ شود و دلیل این امر را ناشناخته بودن این رشته می‌توان در نظر گرفت.

آینده شغلی نامعلوم

همچنین نکته دیگری که نباید نادیده گرفته شود، آینده شغلی دانش‌آموختگان این رشته است. اگرچه برخی از استادان و فعالان رشته آزفا معتقدند که آینده روشنی پیش روی فارغ‌التحصیلان این رشته وجود دارد و با گسترش روز افزون فرهنگ و زبان فارسی در سراسر دنیا نیاز فراوانی به دانش‌آموختگان این رشته تحصیلی خواهد بود، برخی دیگر معتقدند که هنوز آینده مشخص و روشنی برای این افراد وجود ندارد و البته تعدادی نیز بر

این اعتقادند که وظیفه رشته نیست که آینده شغلی این افراد را تعریف کند. یکی از استادان گروه زبان‌شناسی در این زمینه این گونه اظهار نظر می‌کند: «فارغ‌التحصیلان این رشته نسبت به فارغ‌التحصیلان رشته زبان‌شناسی همگانی آینده تیره‌ای دارند و این خود سبب ناامیدی برای متخصصان این رشته می‌گردد. دلیل این امر آن است که دوره دکتری این رشته وجود ندارد و افرادی که قصد ادامه تحصیل دارند چاره‌ای جز تغییر گرایش به زبان‌شناسی همگانی ندارند و این خود عامل اصلی ناامیدی و بی‌انگیزگی برای این افراد است».

از سوی دیگر، گفت و گو با دانش‌آموختگان این رشته نشان می‌دهد که تنها جمع اندکی از افرادی که در این رشته تحصیل کردند، پس از فراغت از تحصیل در همین زمینه مشغول به کار خواهند شد و دیگران در زمینه‌های کاملاً نامرتبط به فعالیت می‌پردازند. جالب توجه است که یکی دیگر از استادان گروه زبان‌شناسی در ارتباط با آینده شغلی دانش‌آموختگان این رشته می‌گوید: «متأسفانه در سال‌های اخیر خیلی از کرسی‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را در کشورهای دنیا از دست داده‌ایم، خصوصاً به دلایل سیاسی» و این خود شرایط و آینده کاری را برای دانش‌آموختگان این رشته تیره‌تر می‌سازد.

ناکارآمدی مواد درسی

همان‌طور که روشن است، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در موفقیت دانش‌آموختگان یک رشته تحصیلی، محتوای درسی تعریف شده برای آن رشته است. این امر در مورد رشته آرفا از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا هدف غایی این رشته گسترش و معرفی علم و فرهنگ پارسی در سراسر دنیا است و انتظار می‌رود فردی که در جایگاه آموزگار زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان فعالیت می‌کند، از تسلط کامل در این زمینه برخوردار باشد تا بتواند هدف اصلی این رشته تحصیلی را به طور شایسته به سرانجام برساند. پس، علاوه بر مفاهیم نظری که انتظار می‌رود یک مدرس زبان فارسی به آن‌ها مسلط باشد، مفاهیم عملی و کاربردی هم از اهمیت بسزایی برخوردار است که بنا به نظر برخی از دانش‌آموختگان و متخصصان این رشته، این رشته هنوز نتوانسته است به خوبی این جنبه را پوشش دهد. براساس نظر چند تن از استادان گروه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌شناسی، دانشجویان آرفا پس از فارغ‌التحصیلی به گذراندن دوره‌های جامع تدریس عملی احتیاج دارند تا بتوانند

آمادگی کافی و لازم برای تدریس را به دست آورند. در این رابطه، یکی از استادان گروه زبان‌شناسی می‌گوید: «مشکلی که دانشجویان ما دارند این است که تجربه کار عملی ندارند، زیرا این شرایط برای آن‌ها فراهم نشده است که بتوانند سر یک کلاس بروند و از نزدیک با روند تدریس آشنا شوند. بنابراین، همان‌طور که گفتم دانشجویان سابقه تدریس و کار عملی ندارند، مگر اینکه یک عده‌ای بر حسب نیاز در مرکز آموزش زبان فارسی مشغول تدریس باشند، ولی جزء برنامه درسی و یا جزء اجبار و نیاز برنامه درسی آن‌ها نیست که البته این خیلی لازم است؛ چون پس از تحصیل وقتی فارغ‌التحصیل آزفا سر کلاس می‌رود هیچ تجربه‌ای ندارد و شاید اولین کلاس‌هایی را که طی می‌کند با یک دست خالی از تجربه شروع می‌کند و بعد خودش در حین کار تجربه را کسب می‌کند». علاوه بر این، به گفته بسیاری از دانشجویان آزفا و تأیید استادان و دست‌اندرکاران این رشته، بسیاری از منابع درسی مورد نظر در این رشته به زبان انگلیسی و یا فرانسه است و این در حالی است که تعدادی از این دانشجویان مقطع کارشناسی خود را در رشته‌های دیگری چون زبان و ادبیات فارسی، مهندسی کامپیوتر و غیره به پایان رسانده‌اند و در نتیجه فاقد تسلط کافی و مورد نیاز برای بهره‌گیری از این متون هستند. به تأیید یکی از استادان گروه زبان‌شناسی «بچه‌های ادبیات فارسی معمولاً با متون انگلیسی مشکل دارند و شاکی هستند و نمی‌توانند پایه‌پای بقیه عمل کنند».

استادی از گروه زبان و ادبیات فارسی در ارتباط با مواد درسی موجود برای آزفا این‌گونه اظهار نظر می‌کند: «سیلابس‌ها متأسفانه ناکارآمد است. چون وقتی توانایی پایین دانشجویان آزفا را که در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کنند می‌بینیم ما مجبوریم برای آن‌ها کارگاه‌های عملیاتی بگذاریم تا بتوانند توانایی تدریس خود را بالا ببرند. در واقع، مواد درسی بسیار انتزاعی و ناکارآمد است و می‌شود با آن مطالب و ماده‌های آموزشی دیگر آن را جایگزین کرد».

استاد دیگری از گروه آموزش زبان انگلیسی نیز در این رابطه اظهار می‌دارد «سیلابس‌های موجود برای آزفا بیشتر ترجمه‌ای است».

علاوه بر مشکل ناکارآمدی مواد درسی این رشته، یکی دیگر از مشکلاتی که برای این رشته از سوی تعدادی از مدیران و دست‌اندرکاران مطرح می‌شود این است که دانشجویان و یا حتی فارغ‌التحصیلان این رشته در طی ۶ یا ۷ سال، حتی با یک دانشجوی خارجی هم برخورد ندارند و این طبیعتاً نشانه ناکارآمدی و غیر کاربردی بودن این رشته است.

البته ذکر این نکته لازم است که اخیراً بازنگری‌هایی در مواد و محتوای درسی این رشته صورت گرفته است. یکی از استادان زبان‌شناسی در ارتباط با این بازنگری می‌گوید: «در ارتباط با مواد درسی آرفا یک بازنگری صورت گرفته است. در این بازنگری سیلابس خوب است. قبلاً در سیلابس درسی عنوان «به غیرفارسی‌زبانان» نادیده گرفته شده بود و ما به غیرفارسی‌زبانان توجهی نداشتیم؛ یعنی مواد درسی به گونه‌ای بود که برای یک ترکی که در فرهنگ ما رشد کرده و می‌خواهد فارسی یاد بگیرد مناسب بود. ولی وقتی می‌گوییم به غیرفارسی‌زبانان، یک ویژگی‌های خاص دارد. سیلابس جدید توجه به ویژگی‌های دنیای امروز دارد؛ مانند رسانه‌های مختلف، اینترنت، یادگیری مجازی و غیره. مدرس باید با علم روز آشنا باشد. نواقص سیلابس قبلی برطرف شد». وی ادامه می‌دهد: «در سیلابس قبلی) درس تدریس عملی در نظر گرفته شده بود ولی اختیاری بود؛ اما در سیلابس جدید، درس‌های خاصی برای تدریس عملی در نظر گرفته شده است». این استاد در ارتباط با مواد درسی در نظر گرفته شده برای دوره دکتری این رشته می‌گوید: «در سیلابس دکتری آرفا مباحثی را مطرح کردیم که برای مثال شامل فرهنگ باشد که وقتی اسم آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان می‌آید، معنادار باشد. وقتی می‌گوییم غیرفارسی‌زبانان یعنی (زبان‌آموز) از یک فرهنگ جدید وارد می‌شود که این مسائل را باید در نظر گرفت».

علت‌های سیستماتیک

مواردی که در بخش پیش به آن‌ها اشاره شد، آشکار می‌سازد که انتقادهایی بر پیکره فعلی رشته آرفا وارد است. این طور به نظر می‌رسد که به دلیل مشکلات موجود، ایجاد تغییرات بنیادین به سادگی امکان‌پذیر نیست و این مهم نیازمند شناسایی علل و ریشه مشکلات و سپس پیگیری مداوم و جدی در جهت رفع آن‌هاست. بنابراین لازم است در این بخش به بررسی موشکافانه دلایل وجود چالش‌های مطرح شده برای این رشته تحصیلی نوپا پردازیم.

علت مبهم بودن جایگاه رشته

همان‌طور که به طور مفصل توضیح داده شد، عمده‌ترین مشکل رشته آرفا وجود جنجال‌ها و کشمکش‌های جدی میان گروه‌های زبان‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی و اخیراً رشته‌هایی چون آموزش زبان انگلیسی، علوم تربیتی و برنامه‌ریزی درسی است. همان‌طور که شرح آن رفت، هر یک از این گروه‌ها به طور مجزا سعی دارد این رشته را در انحصار خود درآورد

و این انحصارطلبی سبب می شود بیشتر انرژی و زمانی که لازم است صرف به کارگیری تخصص سایر افراد و رشته های آموزشی شود، صرف بحث و تلاش برای قدرت نمایی و به انحصار کشیدن این رشته از سوی گروه های مرتبط شود. به عبارت دیگر، پیامد این انحصارطلبی «محدودنگری» خواهد بود. شاید بتوان گفت دلیل زیربنایی این انحصارطلبی آن است که کشور ما جزء کشورهای «درون گروهی» است (هافستد^۱ و همکاران، ۲۰۱۰)؛ طبیعی است که افراد تمایل زیادی برای شرکت در فعالیت های گروهی، جمعی و میان رشته ای نداشته باشند و شاهد این ادعا نیز آن است که بسیاری از متخصصان و دست اندرکاران این رشته، هیچ اعتقادی به «میان رشته ای» بودن آن ندارند. در صورتی که اگر این رشته به صورت تلفیقی از روش ها و تخصص های حوزه های مختلف از جمله زبان شناسی، ادبیات فارسی، روش های تدریس، روش های ارزشیابی، جامعه شناسی زبان، روان شناسی زبان، تاریخ زبان فارسی و غیره تعریف شود، به یقین آینده روشن تری پیش رو خواهد داشت.

یکی از استادان گروه زبان و ادبیات فارسی که با انحصاری بودن این رشته مخالف است، اعتقاد دارد که «استادان این رشته» باید به طور دقیق بر پایه نیازها، مبانی و روش شناسی ای که نیاز است از رشته های گوناگون انتخاب شوند و تدریس کنند؛ بنابراین، برای مثال اگر من در رشته آموزش تخصص داشتم من هم مدعی این رشته بودم و یک بخش عظیمی از این رشته به من برمی گردد؛ چون این رشته (رشته زبان و ادبیات فارسی) با رشته زبان و ادبیات انگلیسی فرق دارد. این (آزفا) آموزش زبان و ادبیات فارسی است».

استاد دیگری از گروه آموزش زبان انگلیسی اعتقاد دارد که «کار گروهی است و باید یک تیم جمع شود».

علت عدم وجود دوره دکتری تخصصی

در ارتباط با دلیل عدم راه اندازی دوره دکتری تخصصی رشته آزفا از سوی اعضای گروه زبان شناسی، زبان شناسان این گونه پاسخ می دهند که «در ابتدا باید بررسی می شد که آیا به اندازه کافی برای مقطع دکتری این رشته مطلب داریم یا نه؟». زبان شناس دیگری در ارتباط با دوره دکتری آزفا چنین می گوید: «برنامه دکتری در دست تدوین و آماده سازی است».

فعالاً در سطح وزارتخانه طراحی می‌شود؛ اگر تأیید شود دانشگاه فردوسی هم دانشجوی می‌پذیرد و اگر این‌گونه شود (این رشته) به استقلالش می‌رسد. ولی سؤالی که ما با آن روبه‌رو هستیم این است که در دوره دکتری چه چیزهایی می‌توانیم ارائه کنیم که این کیفیت تدریس را از آنچه هست بالاتر ببریم. یعنی بیشتر بحثمان روی محتوای درسی دوره دکتری است که تکرار آنچه در دوره ارشد هست، نباشد. به هر حال بچه‌ها (کارشناسی ارشد) به سطحی رسیده‌اند و دانشی دارند، حالا برای سطح دکتری چه مباحثی را آموزش بدهیم؟ البته این سؤالی است که برای همه رشته‌ها پیش می‌آید. باید ببینیم امکان گسترش رشته آرفا برای دوره دکتری وجود دارد یا نه».

زبان‌شناس دیگری در این مورد می‌گوید: «ضرورت وجود دوره دکتری برای آرفا کاملاً حس شده است و سرفصل‌ها در حال تدوین است و امیدواریم در یکی دو سال آینده دوره دکتری‌اش را هم بگذاریم. اگر این اتفاق بیفتد این استقلالی که انتظار داریم حاصل می‌شود».

بنابراین، دلیل اصلی تعریف نشدن دوره دکتری تخصصی برای رشته آرفا از نظر زبان‌شناسان، عدم وجود اتفاق نظر در ارتباط با مواد درسی و محتوای دروس مقطع دکتری است؛ اما همان‌طور که مشخص شد ضرورت آن برای زبان‌شناسان کاملاً احساس می‌شود و مقدمات اولیه آن در حال فراهم شدن است.

علت عنوان رشته در مدرک فارغ‌التحصیلی

همان‌طور که توضیح آن رفت، ذکر نشدن عنوان «زبان‌شناسی» در مدرک تحصیلی دانش‌آموختگان آرفا مشکلات جدی برای آنان به همراه خواهد داشت. از نظر نویسندگان این مقاله، این امر نیز خود شاهدهی بر این مدعاست که تکلیف و جایگاه این رشته در سطوح بالاتری همچون وزارتخانه نیز مشخص نیست. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که این رشته برای نخستین بار در دویست و هفتاد و سومین جلسه ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ گروه علوم انسانی از سوی اعضای کمیته تخصصی زبان و ادبیات فارسی شورای عالی برنامه‌ریزی به تصویب رسید و پس از گذشت ۲۲ سال از زمان تصویب آن، هم‌اکنون این رشته در دانشگاه‌های کشور، در جایگاه گروه‌های آموزشی زبان‌شناسی قرار دارد. بنابراین، همان‌طور که گفته شد این بلا تکلیفی ناشی از عدم برنامه‌ریزی درست تصمیم‌گیرندگان این رشته است.

علت آینده شغلی نامعلوم

یکی از استادان گروه آموزش زبان انگلیسی در ارتباط با راهکارهای پیشنهادی برای اشتغال‌زایی می‌گوید: «من فکر می‌کنم تا یک دپارتمان منسجم و مستقل در وهله اول ایجاد نشود، این رشته هویت پیدا نکند و اصلاً علم به حساب نیاید، یافتن شغل برای دانش‌آموختگان این رشته امکان‌پذیر نخواهد بود».

یکی از استادان گروه زبان‌شناسی معتقد است: «رشته‌ای که دکتری داشته باشد عضو هیئت علمی هم خواهد داشت و بعد فارغ‌التحصیلان همین رشته می‌آیند و بچه‌های آژفا را تربیت می‌کنند. چون الان اعضای هیئت علمی زبان‌شناسی آژفا را تربیت می‌کنند. اگر یک متخصص آژفا دانشجویان آژفا را تربیت کند، طبعاً برون‌داد بهتری خواهد داشت».

به بیان دیگر، از آنجایی که این رشته فاقد هویت مستقل است، تعریف کردن آینده شغلی برای فارغ‌التحصیلان آن تا زمانی که وضع به این آشفتگی باشد، بی‌معنا خواهد بود.

علت ناکارآمدی محتوای درسی

همان‌طور که در بخش مسئله عینی گفته شد، محتوای درسی موجود برای این رشته تحصیلی ناکارآمد است که علی‌رغم وجود لفظ «آموزش» در عنوان این رشته، به واحدهای عملی آموزش چندان توجه نمی‌شود. یکی از استادان زبان‌شناسی در ارتباط با این نقص می‌گوید: «این مشکل ناشی از این است که نمی‌توان در اینجا (دانشگاه فردوسی مشهد) شرایط را فراهم کرد. نمی‌توان بچه‌ها را سر کلاسی فرستاد. حالا به تازگی این مرکز (مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان) راه افتاده و دانشجو به اندازه کافی است ولی پیش از این دانشجو نداشتیم یا اگر بود خارج از دانشگاه بود. مراکزی بود که مردانه بود اما امروز دانشجویان ما دختر هستند (علاوه بر پسران) و نمی‌توانند وارد آن مراکز شوند. ولی این یکی از نیازهای عمده است که در سیلابس ما باید برایش پیش‌بینی شود. بچه‌ها باید سابقه کار عملی داشته باشند؛ حالا یا دستیار شوند و یا هر کار مرتبط دیگری؛ یک چنین فرصتی باید ایجاد شود که بعد وقتی خودشان می‌خواهند کاپیتان کلاس باشند، یک تجربه اولیه داشته باشند».

زبان‌شناس دیگری دلیل محدود بودن واحدهای تدریس عملی در برنامه درسی این رشته را عدم وجود همکاری از بیرون دانشگاه، کم بودن تعداد دانشجویان خارجی و عدم وجود ارتباط میان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش زبان فارسی می‌داند.

بنابراین، واضح است که به دلیل کمبود کلاس‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانانی که در ایران مشغول یادگیری زبان فارسی هستند، به ندرت این امکان برای دانشجویان آزفا فراهم می‌شود که بتوانند یک کلاس رسمی آزفا را ببینند و تدریس در چنین موقعیتی را تجربه کنند. حال آنکه استادان این رشته تأکید می‌کنند که دانشجویان قبل از فارغ‌التحصیلی و شروع فعالیت آموزشی خود به تجربه عملی و گذراندن واحدهای عملی نیاز مبرم دارند.

گفتمان - جهان‌بینی

این مرحله از تحلیل لایه‌ای علت‌ها، همان‌طور که قبلاً به آن پرداخته شد، به دنبال یافتن زیربنای فکری شرایط موجود است. بنابراین، در این بخش، عقاید فکری و فرهنگی متخصصان و دست‌اندرکاران این رشته در ارتباط با مشکلات آن بررسی می‌شود. همان‌طور که پیداست، ایجاد شرایط مناسب و ایدئال برای رشته «آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان» به گونه‌ای که بتوان نیازهای این رشته تحصیلی را برآورده ساخت، مستلزم ایجاد پاره‌ای تغییرات در جهان‌بینی، ایدئولوژی و گفتمان حاکم بر مجموعه دست‌اندرکاران این رشته است. به بیان دیگر، برای اینکه بتوانیم جایگاه والای زبان و ادب پارسی را در سراسر دنیا ارتقا دهیم و به اهداف ارزشمند این رشته تحصیلی نائل شویم، شایسته است که در شرایط فعلی رشته آزفا تجدید نظر کنیم و بکوشیم تا حد امکان به دور از تعصبات شخصی و گروهی، به وضعیت نسبتاً ناخوشایند این رشته تحصیلی بیندیشیم. در طول تاریخ همیشه «حاکمیت و قدرت یافتن یک گفتمان، به طور اجتناب‌ناپذیر سبب حاشیه‌راندن و مقاومت گفتمان‌های دیگر شده است» (حسینی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۸۱)؛ به همین جهت وجود نگاه انحصارطلبانه به این رشته تنها سبب می‌شود که از تجربیات دیگران بی‌نصیب بمانیم. از این منظر کشمکش موجود میان گروه‌های آموزشی مختلف برای قدرت‌نمایی و به دست گرفتن انحصاری این رشته، نه تنها سایر گروه‌های آموزشی را به حاشیه می‌راند، بلکه سبب می‌شود که برنامه‌ریزان رشته آزفا از سطح گسترده‌ای از تجربیات و نظرات کارساز سایر تخصص‌ها محروم و بی‌نصیب بمانند. بنابراین، می‌توان نگاهی منطقی و واقع‌گرایانه به این قضیه داشت، به گونه‌ای که برای شکل دادن به رشته آزفا به طور مطلوب، از دانش و تجربیات رشته‌های مختلف آموزشی و به خصوص رشته‌های مرتبط با آموزش یک زبان خارجی، بهره گرفت. وجود این نوع نگاه جامع و کل‌نگرانه به رشته دانشگاهی آزفا از یک سو سبب دلگرمی دانشجویان و دانش‌آموختگان

این رشته می شود و از سوی دیگر با عقاید جمعی فرهنگ ما که معتقدیم «دو فکر بهتر از یک فکر است»، همسو و همگام خواهد بود.

پر واضح است مادامی که مسائل پیش روی این رشته دانشگاهی تنها موضوع بحث باشد و اقدامی اساسی در جهت برطرف نمودن این مشکلات صورت نگیرد، نمی توان امیدی به تغییر و بهبود شرایط داشت و به اصطلاح «به عمل کار برآید، به سخندانی نیست». اجماع و اتفاق نظر گروه های آموزشی مرتبط با آزفا و تشکیل کارگروه های جامع راه را برای این مهم هموار می سازد.

اسطوره - استعاره

همان طور که گفته شد، «این لایه به شیوه ای ناخود آگاه به شکل گیری جهان بینی و گفتمان مسلطی که به وجود آورنده علت های اجتماعی و مسئله عینی است، کمک می کند» (همان، ۱۸۲). باورها و عقایدی را که طی سالیانتمادی طرز فکر افراد را تشکیل می دهد و سپس پشتوانه رفتار و اقدامات آن ها در هر زمینه ای می شود، می توان در استعاره ها، اصطلاحات و عباراتی که برای بیان افکار خود به کار می برند، یافت. این باورها و معانی در عمیق ترین و قوی ترین لایه های ذهنی شکل دهنده واقعیت ریشه دارد. در حقیقت نمادها و استعاراتی که برای بیان افکار و باورهای خود به کار می بریم، در اقدامات و رفتارهای ما قابل مشاهده است و میان آنچه بدان باور داریم و در گفتار خود به کار می بریم با آنچه انجام می دهیم رابطه ای دوسویه وجود دارد؛ مگر اینکه به عمد کنش ما متفاوت از نحوه اندیشیدن ما به موضوع باشد.

بنابراین، شرایط فعلی آزفا نیز برگرفته از عقاید چندین ساله ماست. برای مثال، وقتی از «میان رشته ای» بودن آزفا سخن به میان می آید که مستلزم همکاری همه جانبه گروه های آموزشی مختلف است، شاهد تمایل عمومی فعالان و دست اندرکاران این رشته به اختصاصی بودن آن برای یک گروه آموزشی مشخص هستیم. این رویکرد را می توان با «درون گروهی» بودن فرهنگ ما مرتبط دانست که نتیجه آن عدم وجود تمایل برای شرکت در کارها و فعالیت های گروهی خواهد بود که این واقعیت تلخ در استعارات و ضرب المثل های رایج میان مردم نیز نشان داده می شود:

- آشپز که دو تا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک؛

- خانه ای را که دو کدبانوست، خاک تا زانوست؛

- دو درویش در گلیمی بخسبند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند؛

- شریک اگر خوب بود خدا هم شریک می‌گرفت.

ضرب‌المثل‌ها و استعاراتی از این دست نشان‌دهنده باورهای حاکم بر اذهان عمومی است و به نوعی لایه‌های عمیق افکار و اعتقادات جامعه را بازگو می‌کند. بنابراین، انحصارطلبی حاکم بر رشته تحصیلی آزفا را می‌توان تا حدودی از این طریق توجیه نمود.

در نهایت، با توجه به تمامی مسائل مطرح شده در ارتباط با این رشته تحصیلی باید گفت که هم‌اکنون زمان درمان این رشته فرارسیده و باید اقدامات مقتضی صورت گیرد تا نیازهای پیش‌روی این رشته مرتفع گردد و از این طریق آینده روشن‌تری برای فارغ‌التحصیلان این رشته تحصیلی رقم زده شود. در واقع باید هرچه سریع‌تر اقدامات عملی در جهت درمان اساسی این رشته صورت گیرد و این رشته جایگاه والای خود را بیابد؛ پس باید «ز تعارف کم کرد و بر مبلغ افزود» که در غیر این صورت، «این قافله تا به حشر لنگ خواهد ماند».

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر آن شدیم تا با توجه به اهمیت آموزش و گسترش زبان فارسی به خارجی‌زبانان، مشکلات موجود در این مسیر را شناسایی کنیم و گامی مؤثر در مسیر علمی شدن فرایند آموزش و گسترش زبان فارسی برداریم. در این پژوهش از الگوی تحلیل لایه‌ای علت‌ها استفاده کردیم که کاربرد زیادی در مطالعات آینده پژوهشی دارد. این الگو از چهار منظر به بررسی مشکلات می‌پردازد و تحلیل دقیق و عمیقی از موضوعات مختلف به ما ارائه می‌دهد. به باور ما ترویج تفکر آینده‌نگری و ترغیب افراد به ارائه سناریوهای مختلف راهگشای مشکلات گوناگون ما خواهد بود. بدین منظور برای غلبه بر مشکلات و موانع موجود در خصوص آزفا، می‌توان راهکارهای زیر را ارائه داد:

اجتناب از انحصارطلبی و میان‌رشته‌ای در نظر گرفتن آزفا و استفاده از تخصص‌های رشته‌های مختلف از جمله زبان‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی، آموزش زبان‌های خارجی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و غیره.

راه‌اندازی دوره دکتری رشته آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان؛

معرفی این رشته به صورت یک رشته غیروابسته به رشته‌هایی چون زبان و ادبیات

فارسی و زبان‌شناسی؛

سرمایه‌گذاری بر افراد متخصص جهت گسترش زبان و ادبیات فارسی و حمایت از آنان؛
اعزام دانشجویان و فارغ‌التحصیلان آزفا به خارج از کشور به منظور ایجاد
کرسی‌های آموزش زبان فارسی در سراسر دنیا؛
گنجانیدن واحدهای درسی بیشتر برای تدریس عملی و برگزاری کلاس‌های روش
تدریس عملی به صورت اجباری.

منابع

- پیش‌قدم، رضا و مصطفی مرادی‌مقدم (۱۳۹۲). «مطالعه اکولوژیک در آموزش زبان: نقش والدین در پیشرفت سطح یادگیری زبان انگلیسی فراگیران». *جستارهای زبانی*. شماره ۱۶، ۳۱-۵۴.
حسینی‌مقدم، مصطفی (۱۳۹۰). «کاربرد آینده‌پژوهی در علوم سیاسی با تکیه بر روش تحلیل لایه لایه علت‌ها»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. ۱۶۹-۱۸۸.
سبحانی، عبدالرضا (۱۳۸۷). «چهارچوب ادراکی رشته آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌ها». *مجله زبان و ادبیات فارسی*. سال ۴، شماره ۱۱، ۹۹-۱۱۷.
صحرايي، رضا مراد (۱۳۹۱). «جایگاه رهیافت‌های طراحی برنامه درسی در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش زبان فارسی به غیرایرانیان». *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*. شماره ۲۷، ۱۰۳-۱۳۴.
محمودی، بهزاد (۱۳۸۵). «معرفی آینده‌پژوهی و روش‌های آن». *سلسله گزارشات آینده‌پژوهی*. شماره ۱، کد گزارش ۲۰-۸۵-۲-۰۴.
نجاریان، پروانه، علی‌رضا محمودنیا، سعید ضرغامی و محمد یمنی (۱۳۹۱). «رویکرد فرارشته‌ای ادگار مورن و مبانی فلسفی اندیشه وی». *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۱-۱۵۲.
Ariell, Amelia (2010). "Forest Futures: A Causal Layered Analysis." *Journal of Futures Studies*. 14(4). pp. 49-64.
Bell, Wendell (2003). *Foundations of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge*. Transaction Pub.
Conway, Maree (2012). "Using Causal Layered Analysis to Explore the Relationship between Academics and Administrators in Universities." *Journal of Futures Studies*. 17(2). 37-58.
Hoffman, Jeanne (2012). "Unpacking Images of China Using Causal Layered Analysis." *Journal of Futures Studies*. 16(3). 1-24.
Inayatullah, Sohail (1998). "Macrohistory and Futures Studies." *Futures*. 30(5). pp. 381-394.
Inayatullah, Sohail (2004). *The Causal Layered Analysis Reader: Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology*. Tamkang University Press.
Inayatullah, Sohail (2006). "Eliminating Future Shock: the Changing World of Work and the Organization," *Foresight*. Vol. 8 Iss: 5, pp. 3-14.
Inayatullah, Sohail (2009). "Questioning Scenarios." *Journal of Futures Studies*. Vol. 13, No. 3, pp. 75-80.

- Pham, Thanh Thi Hong (2006). "The Development of the Higher Education Sector of Vietnam Within the Globalization Discourse: Using Futures Methodologies." *Journal of Futures Studies*. 11(2). pp. 35-60.
- Pham, Thanh Thi Hong (2010). "Implementing a Student-Centered Learning Approach at Vietnamese Higher Education Institutions: Barriers Under layers of Causal Layered Analysis (CLA)." *Journal of Futures Studies*. 15(1), pp. 21-38.